

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۸ سپتمبر ۲۰۲۱

## در باره زندگی رفیق شهید، "علی مهمی"



در سالهای ۶۰ و ۶۱ تقریباً روزی نبود که دژخیمان جمهوری اسلامی دسته دسته جوانان آزادیخواه و کمونیست را اعدام نکنند و با وقاحت تمام اخبار این جنایات را در روزنامه های خود انعکاس ندهند. در آن سالهای خونین و فراموش نشدنی، سپاهچالهای خمینی مملو از انقلابیونی بود که با جسارت و تهور باور نکردنی بر ریش جادوگر پیر تف انداخته و بی باکانه بر آرمانهای انقلابی خود پای می فشرده. اینها جوانانی بودند که برای ساختن دنیائی نوین و انسانی بر ضرورت نابودی ارتجاع جمهوری اسلامی تأکید داشتند. یکی از آن جانهای شایسته، چریک فدائی خلق، رفیق "علی مهمی" بود که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در خرداد ماه [جوزا] سال ۶۱ با حلق آویز کردن وی لکه سیاه دیگری بر پرونده سراسر جنایت و دمدنشی خود افزود. هزاران مبارزی که در آن سالهای یورش ارتجاع به توده های انقلابی جهت

سرکوب قطعی انقلاب آنها به خاک افتادند، به نسلی تعلق داشتند که در عنفوان جوانی آتش انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ را شعله ور ساختند. نسلی که برای نابودی رژیم وابسته به امپریالیسم سلطنت پهلوی، ایران را به صحنه انقلابی بزرگ تبدیل نمودند که متأسفانه به دلیل نداشتن یک رهبری انقلابی به فرجام نرسید و با هدایت امپریالیستها در نیمه راه "ملا خور" شد.

در سالهایی که شعله های انقلاب زبانه می کشید، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به دلیل مبارزه مسلحانه رزمندگان چریک فدائی در زیر سلطه دیکتاتوری رژیم شاه، با استقبال وسیع توده ها و جوانان مواجه شده بود. رفیق علی مهمی نیز یکی از جوانانی بود که به صفوف هواداران آن سازمان پیوست چرا که از انحراف این سازمان از خط اصلی بنیانگذاران آن اطلاع نداشت و به همین دلیل انتظار داشت این سازمان هم با پایبندی به آرمانها، سنتها و ارزشهای انقلابی پیشین خود با توطئه های دشمنان رنگارنگ انقلاب مقابله کرده و کارگران و ستمدیدگان را برای ادامه انقلاب تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم هدایت کند. اما متأسفانه سازمان مذکور به دلیل رشد اپورتونیزم در درونش و سلطه یک رهبری سازشکار و غیر انقلابی بر آن، قادر به پاسخگویی به این ضرورت نبود. سازمان چریکهای فدائی خلق بعد از

قیام بهمن [دلو] ۵۷ نه تنها به این وظیفه انقلابی پاسخ نمی داد بلکه به عکس، با روی کار آمدن دار و دسته مرتجع خمینی توسط امپریالیستها از رهبری خمینی جنایتکار به عنوان رهبری "ضد امپریالیست" سخن گفته و راه مماشات با جمهوری اسلامی را در پیش گرفته بود. اما این سیاستهای سازشکارانه نمی توانست مورد قبول مردم و نیروهای آگاه و انقلابی قرار گیرد.

بسیاری از مسائل مطرح بود که در میان هواداران سازمان بدون پاسخ می ماند. از این رو کم کم بسیاری از هواداران روند جدائی از این سازمان را آغاز کردند. با اعلام موجودیت طرفداران تئوری مبارزه مسلحانه که از شکست قیام بهمن و ضرورت تلاش برای ادامه انقلاب سخن می گفتند و ماهیت رژیم جدید را نیز همانند رژیم شاه، وابسته به امپریالیسم ارزیابی می کردند رفیق علی مهمی همراه با تعدادی از همفکرانش در بندر عباس به هواداری از این خط و تشکیلات دوباره ایجاد شده چریکهای فدائی خلق برخاست. در همین راستا وقتی هواداران چریکهای فدائی خلق در بندرعباس، جنبش دانش آموزی ۱۹ بهمن را در این شهر سازمان دادند رفیق علی به این جنبش پیوست و یکی از فعالان این حرکت گردید. بر بستر فعالیتهای مبارزاتی جنبش دانش آموزی ۱۹ بهمن بود که هسته های سیاسی نظامی نیز در بندر شکل گرفت. در اواخر سال ۵۹ رفیق علی به دلیل مجموعه فعالیتهای انقلابی اش برای دشمن شناخته شد و اجباراً زندگی مخفی در پیش گرفت.

یکبار رفیق علی در جهت پیشبرد برنامه های هسته های سیاسی نظامی همراه با رفقاء حسین روحانی و غلامعلی علمشاه اقدام به مصادره ماشینی می کنند که این اقدام با موفقیت انجام می شود. اما متأسفانه وقتی رفقاء با این ماشین عازم محلی بودند توسط پولیس راه به دلیل فقدان مدارک ماشین دستگیر می شوند. با این حال برخورد هوشیارانه این رفقاء باعث گمراهی پولیس می شود. در برخورد با پولیس هر سه رفیق از بیان مشخصات اصلی و آدرس اصلی خود خودداری می کنند و طوری نقش بازی می کنند که پولیس هیچ شکی به سیاسی بودن آنها نمی کند. امری که داستان سازی های این رفقاء را موجه جلوه داده و شک پولیس را برنمی انگیزد این واقعیت بود که آنها به خاطر زندگی مخفی که داشتند سر و وضع خود را کاملاً تغییر داده بودند. به همین دلیل این سه رفیق به جرم دزدی ماشین به زندان بندر عباس، بند زندانیان عادی منتقل می شوند و پس از مدتی از زندان آزاد می شوند. رفیق علی و دو رفیق همراهش بار دیگر با یاران خود ارتباط می گیرند.

با توجه به یورش سراسری جمهوری اسلامی به توده های سراسر ایران بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، رفقای بندرعباس نیز با توجه به اقدامات انقلابی خود در این شهر شدیداً زیر ضرب دشمن قرار گرفته بودند. متأسفانه در جریان این تعرضات پاسداران جهل و جنایت جمهوری اسلامی توانستند چریک فدائی خلق رفیق علی مهمی را دستگیر کنند. این رفیق انقلابی در زندان پس از تحمل شکنجه های ددمنشانه، در خرداد سال ۶۱ در حالی که تنها ۲۰ سال از زندگی اش می گذشت به دار کشیده شد و جنبش انقلابی خلقهای ما یکی از صمیمی ترین یاران خود را برای همیشه از دست داد. تردیدی نیست که خاطره دلآوری ها و شجاعت این رفیق دلیر بندری و مبارزاتش همیشه در یاد مردم ایران باقی خواهد ماند. چرا که درست به خاطر تأثیر مبارزات انقلابی چنین سروهای آزاده و پایداری آنها در زندان های قرون وسطائی بود که رژیم جمهوری اسلامی هرگز قادر به خاموش کردن مبارزات بحق و انقلابی مردم ما نشد و امروز نیز بیش از هر وقت دیگر مورد خشم و نفرت شدید توده ها قرار دارد.

**یاد رفیق علی مهمی گرامی و راهش پر رهرو باد!**